

نقش اسناد در ملی شدن صنعت نفت

O علی کریمیان

ماندگاری وقایع مهم تاریخی و ملی بستگی به وجود اسنادی دارد که در زندگی روزمره ما بی‌آنکه از اهمیت آنها آگاهی داشته باشیم تولید و خلق می‌شوند. آن قدر که اسناد به آینده تعلق دارند به گذشته متعلق نیستند باید اهمیت استفاده صحیح از اسناد را درک کنیم و برای حفظ کیان ملت و میهن و تاریخ پرفراز و نشیب این مرز و بوم از آنها بهره بجوییم.

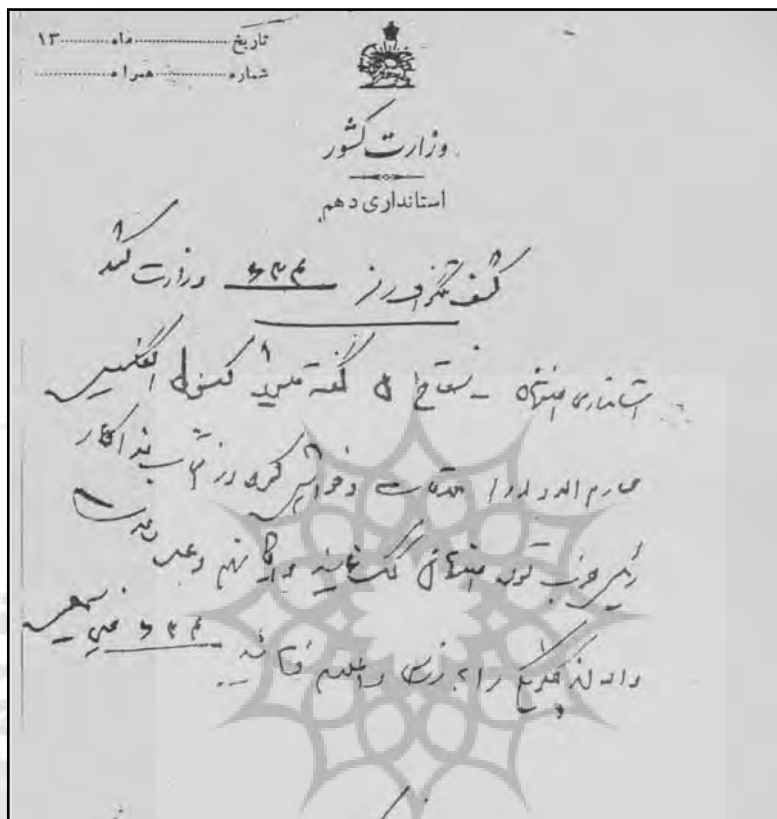
توسعه جوامع بشری و به خصوص جامعه ما میسر نیست مگر آن که قدر پژوهشهای اسنادی را در ابعاد مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... بدانیم و همچون یک اندیشه زبربنایی به جامعه حال و آینده خود توصیه و تزریق کنیم. اسناد مهمترین ابزار و عاملی هستند که دست ما را می‌گیرند تا اشتباههای گذشتگان را تکرار نکنیم و تجربیات سره را از ناسره تشخیص دهیم. امروزه در کشورهای پیشرفته آرشیو ملی از جایگاهی بس رفیع برخوردار است.

کشور ایران با تاریخ و فرهنگ غنی همواره نیازمند است که برای پیشرفتهای داخلی و روابط بین‌الملل خود اسناد را به درستی حفظ و نگهداری کند و در عین حال هم تحقیقات وسیعی را به منصف ظهور برساند. از این رو، نگارنده در این مقاله قصد دارد با بهره‌گیری از اسناد به یکی از رویدادهای مهم تاریخی و ملی ایران که منجر به ملی شدن صنعت نفت شد بپردازد و از این طریق اثبات و نتیجه‌گیری کنیم که اگر دکتر محمد مصدق و همراهانش متوسل به اسناد موجود نمی‌شدند، شاید نمی‌توانستند این واقعه مهم تاریخی را خلق کنند؛ یا حداقل این که برای وقوع این نهضت ملت ایران می‌بایست بهایی سنگینتر از آنچه که پیش‌بینی می‌شد بپردازد. حال ضمن بیان مقدمه‌ای از ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹ ش. به توصیف و تشریح ماجرا می‌پردازیم.

سیری بر ملی شدن صنعت نفت

گرچه از سال ۱۳۲۳ ش. اقدامات اساسی در جهت ملی شدن صنعت نفت صورت گرفته بود، هیچ کدام به نتیجه نرسید و کمابیش هر دولتی که تشکیل می‌شد نغمه‌هایی از ملی شدن نفت به گوش می‌رسید تا این که در ۳۰ خرداد ۱۳۲۹ ش. مجلس شورای ملی به تقاضای منصور، نخست وزیر وقت، کمیسیون مخصوصی برای رسیدگی به کار نفت تشکیل داد و لایحه نفت به کمیسیون مزبور ارجاع شد! ولی پیش از آن که کمیسیون کار خود را شروع کند، نخست‌وزیر استعفا کرد و رزم‌آرا در ۵ تیرماه ۱۳۲۹ ش. به نخست‌وزیری رسید.

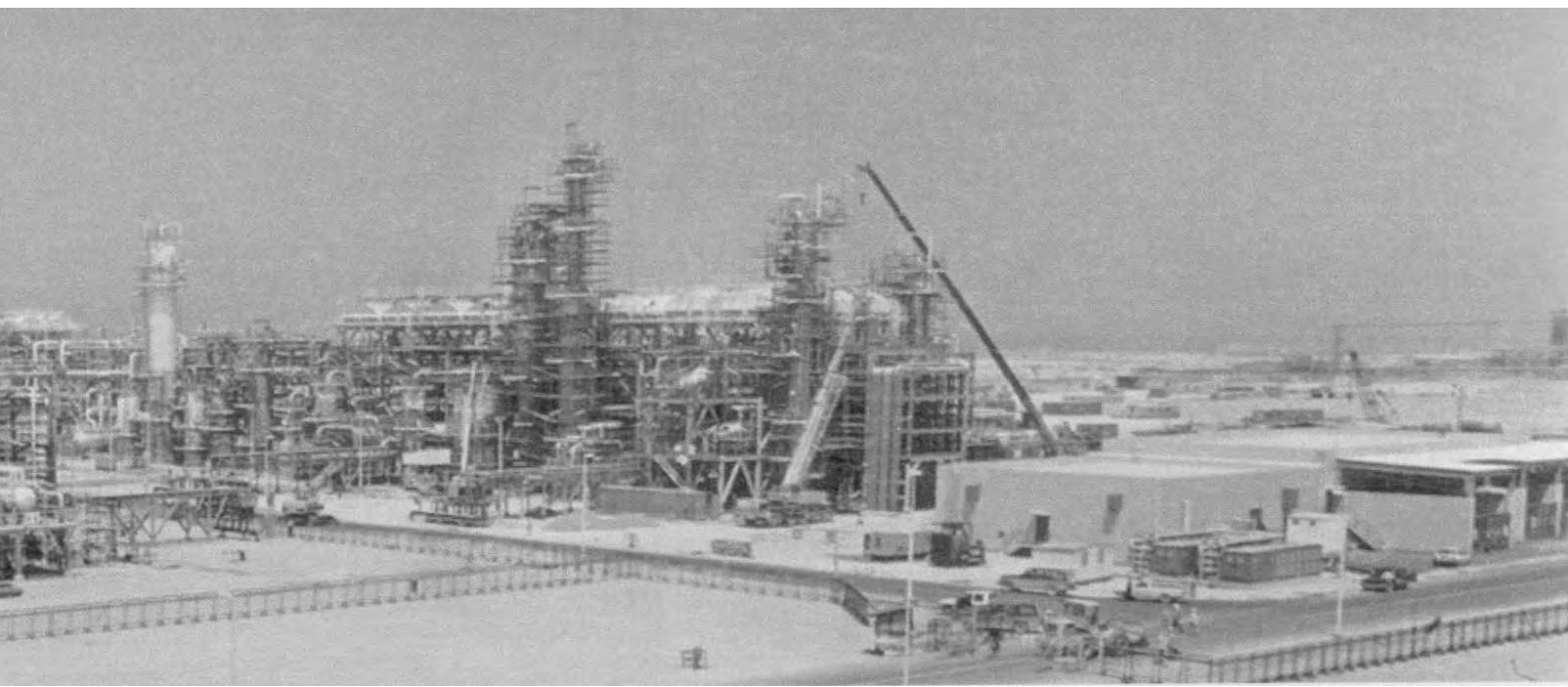
کمیسیون نفت نخستین جلسه خود را در همین تاریخ تشکیل داد.^۲ در حدود چهار ماه حکومت رزم‌آرا با شدیدترین حملات پارلمانی مواجه بود و طی این مدت بارها از طرف وکلای اقلیت در مجلس شورای ملی استیضاح شد. اما قدم مثبتی در راه دنبال کردن لایحه گس - گلشائیان برنداشته بود تا این که در مجلس سنا بالصراحه موافقت خود را با قرارداد اعلام داشت. بدین طریق جریان نفت وارد مرحله تازه‌ای شد. در عین حال کمیسیون نفت به کار خود ادامه داد. در روز چهارم آذر جلسه‌ای با حضور حائری‌زاده، مکی، صالح، شایگان، عبدالقدیر آزاد، دکتر بقایی، دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی در منزل محمود نریمان تشکیل شد تا درباره پیشنهادی که از



از روحانیان و مراجع تقلید^۴ نیز مردم را به مبارزه در راه ملی کردن صنعت نفت دعوت کردند.^۵ این حرکت آن قدر ادامه یافت تا در جلسه ۲۰ دی ماه ۱۳۲۹ ش. مشاجره سختی بین فروهر، وزیر دارایی کابینه رزم آرا، و اعضای اقلیت در گرفت. به مدت نه روز بحث‌های بی‌سابقه‌ای درباره نفت در مجلس پیش آمد. فروهر نیز طی نطق میسوطی لایحه را با عنوان این که جهت استیفای حقوق ایران کافی نیست از مجلس مسترد داشت (ولی مجلس در جلسه ۲۱ دی ماه بیانات او را مردود دانست).^۶

در پنجشنبه، ۱۱ اسفند ماه، اعلامیه‌ای به امضای «فداییان اسلام» منتشر شد که مردم را برای ساعت سه بعدازظهر جمعه ۱۲ اسفند به مسجد سلطانی (شاه) می‌خواند تا به سخنرانی درخصوص «مقدرات ایران و نفت» گوش فرادهند. همان روز آیت‌الله کاشانی هم طی اعلامیه‌ای جداگانه عموم طبقات را برای شرکت در این تظاهرات دعوت کرد.^۷ رزم آرا در تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ ش. ترور شد. مرگ وی توأم با جریانات سیاسی آن ایام بود.^۸ کمیسیون نفت از نهم

طرف عده‌ای از نمایندگان اقلیت مجلس شورای ملی تقدیم شده بود مذاکره و توافق به عمل آید. پیشنهادهای مختلفی ارائه شد و در اطراف آنها مذاکراتی صورت گرفت و لایحه زیر را برای تصویب به کمیسیون ارائه کردند: «به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی امضانندگان ذیل پیشنهاد می‌نماییم که صنعت نفت ایران در تمام نقاط کشور بدون استثنا ملی اعلام شود. یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری در دست دولت قرار گیرد.» همه نامبردگان آن را امضا کردند.^۹ در ۱۹ آذرماه کمیسیون مخصوص نفت، گزارش خود را مبنی بر رد لایحه الحاقی تقدیم مجلس کرد. به محض این که نظر کمیسیون نفت به اطلاع عموم رسید، تظاهرات عمومی در مخالفت با شرکت نفت جنوب و در دفاع از اقلیت مجلس در سراسر ایران صورت گرفت و آیت‌الله کاشانی طی بیانیه‌ای ضمن دفاع از ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور از مردم خواست آن قدر درباره ملی کردن صنعت نفت پافشاری کنند که طرفداران شرکت نفت در مجلس ناچار به اطاعت از افکار عمومی گردند. عده‌ای



بهمن تا پنجشنبه ۱۷ اسفند ماه ۱۳۲۹ ش. دوازده جلسه تشکیل داد. غالب جلسات طولانی و هر جلسه چند ساعت به مطالعه جوانب و اطراف موضوع می‌گذشت و از لحاظ سیاسی، اقتصادی، قضایی و غیره مذاقه کامل به عمل می‌آمد. بالاخره در روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ کمیسیون به اتفاق آرا تصمیم ذیل را اتخاذ کرد و گزارش آن تقدیم مجلس شورای ملی گردید:

«نظر به این که ضمن پیشنهادات واصله به کمیسیون نفت پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورد توجه و قبول کمیسیون قرار گرفته و از آنجایی که وقت کافی برای مطالعه در اطراف اجرای این اصل باقی نیست کمیسیون مخصوص نفت از مجلس شورای ملی تقاضای دو ماه تمدید می‌کند.» با این که سفارت انگلیس در ۲۳ اسفند ۱۳۲۹ ش. طی یادداشتی با اعتراض به ملی شدن صنعت نفت تأکید کرد که همجواری ایجاب می‌کند دولت ایران قرارداد نفت را فسخ نکند،^{۱۱} مجلس شورای ملی در جلسه علنی ۲۴ اسفند با رأی ۹۵ نفر نماینده حاضر در جلسه به گزارش کمیسیون نفت رأی مثبت داد. مجلس سنا نیز در آخرین روز سال یعنی ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ ش. این گزارش را تصویب کرد.^{۱۲}

۶ اردیبهشت ۱۳۳۰ سفیر کبیر انگلیس در ایران طی اعلامیه‌ای اقدام مجلسین ایران مبنی بر ملی کردن صنعت نفت را عجولانه خواند و درخصوص نتایج وخیم آن به دولت ایران هشدار داد. در این روز حسین علاء، نخست وزیر، نیز به علت ناتوانی در حل بحران نفت و فشار دولت انگلیس استعفا کرد.^{۱۳}

بدین ترتیب، دکتر مصدق با در دست داشتن قانون مربوط به خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس به نخست وزیری رسید و در دو ماه برنامه دولت خود را اعلام داشت:

۱. اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور بر طبق قانون اجرای اصل ملی شدن، مصوب نهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۰ ش.^{۱۴} و تخصیص عواید حاصله از آن به تقویت بنیه اقتصادی کشور و ایجاد موجبات رفاه و آسایش عمومی؛

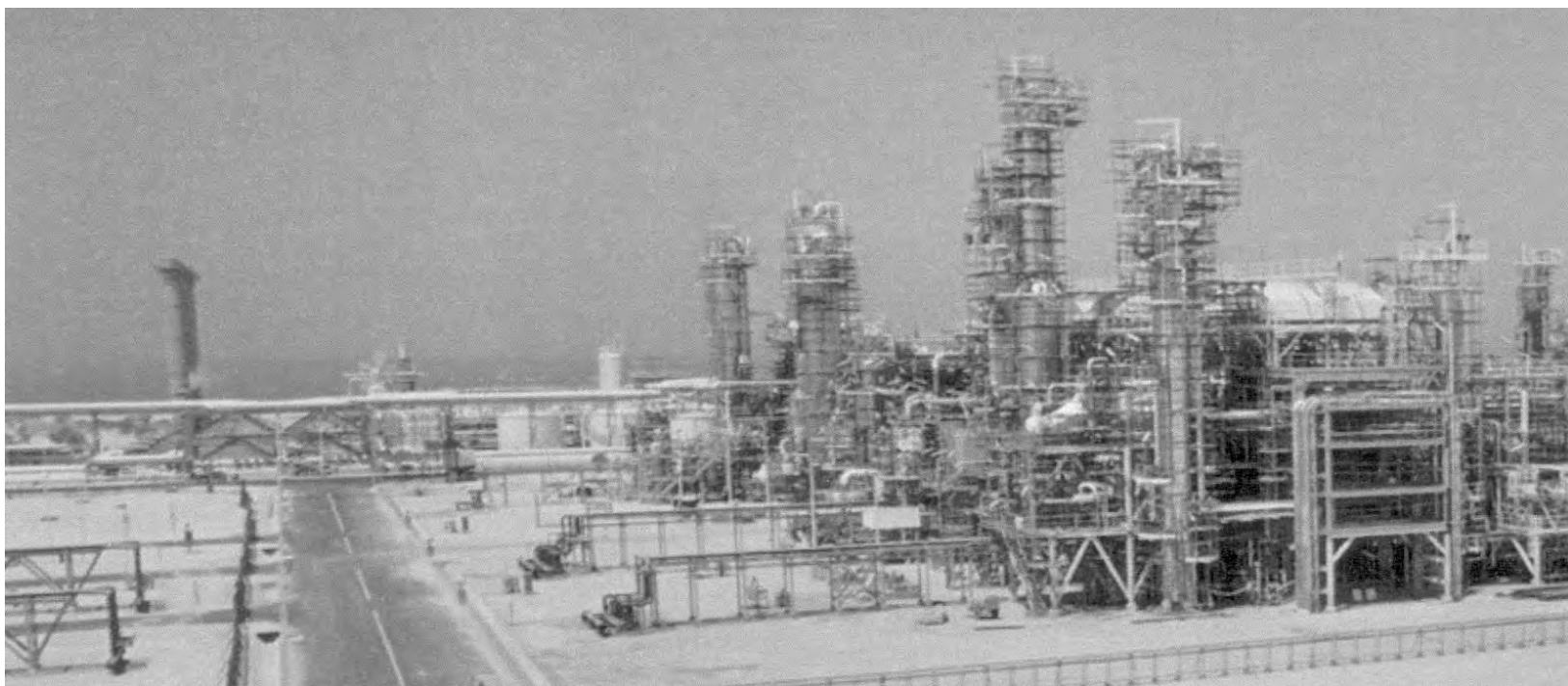
۲. اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و

شهرداریها.^{۱۵}

مجلسین شورای ملی و سنا و همچنین هیأت دولت، اعضای مختلط برای نظارت بر امر خلع ید را انتخاب کردند. در ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ ش. نخست وزیر طی بخشنامه‌ای انحلال شرکت نفت ایران و انگلیس را به کلیه ادارات و سازمانهای دولتی اعلام کرد.^{۱۵} ولی شرکت نفت جنوب و دولت انگلیس قانون ملی شدن صنعت نفت را نقض یک طرفی قرارداد ۱۹۳۳ م. دانست و به دولت ایران شدیداً اعتراض کرد. نماینده شرکت نفت نیز در تهران تقاضا کرد که اختلاف به داوری احاله شود.^{۱۶}

دولت انگلیس چون نتیجه نگرفت، در ۶ خرداد ۱۳۳۰ ش. به مناسبت فسخ قرارداد و ملی ساختن صنعت نفت به دیوان داوری لاهه شکایت برد.^{۱۷} در سیزدهم تیرماه دادگاه لاهه تصمیمی مبنی بر لزوم اجرای اقدامات تاءمینی جهت جلوگیری از هرگونه عمل زیان آور به حقوق طرفین که ادامه بهره‌برداری صنعتی و بازرگانی شرکت نفت انگلیس و ایران را دچار مشکل سازد اتخاذ و به دولت ایران اعلام کرد. اما دولت ایران در پاسخ، اطلاع داد که دیوان داوری لاهه را در رسیدگی به این امر صالح نمی‌شناسد و به رأی صادره در این مورد قایل نیست.^{۱۸}

هیأت مدیره موقت مأمور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت ۲۰ خرداد ۱۳۳۰ در عمارت مرکزی شرکت سابق نفت در خرمشهر مستقر و مشغول به کار شد و سه روز بعد آگهی فروش مواد نفتی را صادر کرد.^{۱۹} دیوان لاهه در ۲ تیرماه اعلام کرد دیوان بین‌المللی، جلسه‌ای عمومی در ساعت ده و نیم روز شنبه ۳۰ ژوئن ۱۹۵۱ م. در کاخ صلح در لاهه به ریاست «بادوان» رئیس دیوان منعقد خواهد کرد.^{۲۰} متعاقب آن در روز پنجم مهرماه وزارت خارجه انگلیس اعلامیه مفصلی در لندن منتشر کرد که در آن پس از شرح وقایع گذشته و اقداماتی که برای حل قضیه نفت صورت گرفته بود، اظهار داشته بود که اعتراض نسبت به اخراج ۳۵۰ نفر از کارشناسان انگلیسی را به شورای امنیت احاله کرده است. روز هفدهم مهرماه، دولت انگلیس شکایتی به دیوان بین‌المللی دادگستری در لاهه



تقدیم و تقاضای رسیدگی کرد که با ۹ رأی موافق و ۲ رأی مخالف - شوروی و یوگسلاوی اظهار داشته بودند مسأله ملی کردن صنعت نفت در ایران و اقامت اتباع خارجه از موضوع‌هایی است که منحصرأ در صلاحیت ایران و مربوط به امور داخلی آن کشور است - در دستور شورا وارد گردید. رئیس شورا از نماینده ایران دعوت کرد که در جلسه حضور یابد. نماینده مزبور تقاضا کرد که چون دولت، نمایندگان مخصوصی به شورا اعزام خواهد داشت که جواب دعاوی انگلستان را بدهند، طرح قضیه برای ده روز به تعویق افتد. چند روز بعد هم به رئیس شورا اطلاع داده شد که چون نخست وزیر ایران شخصاً به نیویورک خواهد آمد تا در جلسه شورا شرکت کند، طرح مسئله پنج روز دیگر به تعویق افتد. بدین ترتیب تشکیل جلسه موکول به ۲۲ مهر ماه شد.^{۱۱}

اسناد ارائه شده به شورای امنیت سازمان ملل متحد
قبل از این که دکتر مصدق در شورای امنیت حضور یابد، در جست‌وجوی اسنادی بود که بتواند حقانیت ایران را در جریان نفت به اثبات برساند. وی به خصوص به دنبال اسناد دخالت دولت در انتخاب نمایندگان دوره نهم مجلس بود که در آن قرارداد نفت با انگلیس به تصویب رسیده بود و می‌توانست واقعی و مردمی نبودن نمایندگان مجلس شورای ملی را در شورای امنیت به اثبات برساند.

غلامحسین رحیمیان، نماینده دوره ۱۴ و ۱۵ از قوچان، در مصاحبه خود با سی‌ام. وودهاوس، مؤلف کتاب عملیات چکمه درباره گردآوری اسناد مذکور می‌گوید: «... من در پانسیون در خیابان لاله‌زارنو زندگی می‌کردم. یک روز شخص موتورسواری که در خدمت دکتر مصدق بود، به پانسیون من آمد و گفت دکتر مصدق تو را خواسته است. فردای آن روز رفتم به نخست وزیری. در سالن انتظار، ناصر قشقایی و فضل‌الله زاهدی نشسته بودند. زاهدی در آن وقت وزیر کشور بود. ولی من و قشقایی کار رسمی نداشتیم. کمی پس از ورود من، ما را به اتاق کار دکتر مصدق راهنمایی کردند. مصدق که روی تختخواب دراز کشیده بود با ورود ما از جایش برخاست و پس

از قدری صحبت گفت: من پیش‌بینی می‌کنم که کار ما به شورای امنیت بکشد و من به اسنادی نیاز دارم که در شورا ارائه کنم. اسنادی که مورد احتیاج من است درباره انتخابات دوره نهم مجلس شورای ملی (دوره تصویب قرارداد ۱۳۱۲ ش. شرکت نفت ایران و انگلیس) و دخالت دولت وقت در آن انتخابات است و شما سه نفر باید برای پیدا کردن چنین اسنادی در میان پرونده‌های بایگانی وزارت کشور به من کمک کنید و حالا بروید و کارتان را شروع کنید. ما از جایمان برخاستیم. اول زاهدی و قشقایی بیرون رفتند؛ ولی پیش از آن که من بیرون بروم مصدق مرا صدا زد و آهسته به من گفت: قشقایی خان است و سرش شلوغ است. ممکن است تا آخر کار را دنبال نکند؛ ولی من از تو می‌خواهم که این کار بزرگ را به انجام برسانی. ضمناً اگر رفتید به وزارت کشور و دری قفل بود و کلیدش پیدا نشد، قفل را بشکنید و قفل دیگری به جای آن بزنید و به نام این که کلیدش را برای من می‌آورید بیابید نزد من. گفتم به چشم و بیرون رفتم و به اتفاق آن دو نفر رفتیم به وزارت کشور. ما را به یک زیرزمین بزرگ راهنمایی کردند. در آنجا رسیدیم به یک اتاقی که درش قفل بود. زاهدی دستور داد کلید آن را بیاورند، نیم ساعتی معطل شدیم؛ کلید پیدا نشد. من به زاهدی گفتم دستور دکتر مصدق این است که قفل را بشکنیم و به جای آن قفل دیگری بزنیم. زاهدی گفت هرچه ایشان گفته‌اند بکنید. قفل را شکستیم. قفل دیگری آوردند؛ زدم به در و گفتم می‌روم که کلید را به دکتر مصدق بدهم و رفتم نزد دکتر مصدق و چگونگی را گفتم، گفت بروید مشغول بشوید. فردایش با قشقایی رفتیم به وزارت کشور. دو سه تا اتاق پر از پرونده بود که می‌بایست آنها را بررسی کنیم. قشقایی چند روزی آمد و کمک کرد و بعد به بهانه این که در میان ایل کارهایی دارد رفت و کار افتاد به گردن من. من حدود چهل پنجاه روز پرونده‌ها را زیر و رو کردم؛ ولی چیزی دستگیرم نشد و هر روز امیدم کمتر می‌شد؛ تا این که در پشت قفسه‌ها برخوردیم به اشکاف (کمد) لاک و مهر شده و وقتی در آنها را باز کردیم، معلوم شد پرونده‌های رمز وزارت کشور که همه‌اش درباره انتخابات دوره هشتم تا دهم، که دولت

کشور، خودت راهی برای این کار پیدا کن. من رفتم اسناد وزارت کشور را پس دادم ولی اسناد بانک ملی را پس ندادم و آنها را محرمانه به دکتر مصدق دادم. در حالی که خودم رسید دریافت آنها را به بانک داده بودم و مصدق اسناد را گرفت و همان روز به آمریکا برای شرکت در شورای امنیت رفت.^{۳۳} گفتنی است که علاوه بر اسناد موجود در وزارت کشور، نخست وزیر طی نامه‌های محرمانه‌ای از استانداریها تقاضا کرد که اسناد موجود درباره دخالت دولت در انتخابات (به خصوص دوره نهم) را به نخست وزیری ارسال دارند.^{۳۳} رحیمیان می‌گوید: «اسناد انتخاباتی را بعداً مصدق از ما گرفت و آنها را از ترس آن که نابود شود در خانه خودش نگهداری می‌کرد تا در کودتای ۲۸ مرداد و غارت خانه‌اش معلوم نشد چه به سر آنها آمد.»^{۳۴} اما خوشبختانه تعدادی از اسناد فوق اعم از دخالت‌های دولت در انتخابات، صورت‌مجلس‌ها و اسناد ارسالی از استانداریها در گنجینه سازمان اسناد ملی ایران به شماره ۲۹۳۰۰۵۸۲۱ و محل در آرشیو ۶۱۴ ف ۵ ب آ نگهداری می‌شود که چند نمونه آن را می‌آوریم و معرفی باقی اسناد رابه مجال و مقال دیگر می‌گذاریم.

فوری، به ایالت کرمان رمز شود. شخصاً کشف فرمائید. معاون ایالت، موافق تصمیم هر تغییر کند برای عرض هم امیر اعتماد مقدم، امیر نصرت، خواجه نوری، مصطفی‌خان دفتر میرزا حسنخان آسایش در نظر گرفته شده‌اند. هر یک را موافقت می‌فرمایید فوراً روانه می‌شوند. ۹/۴/۵

سند شماره ۲

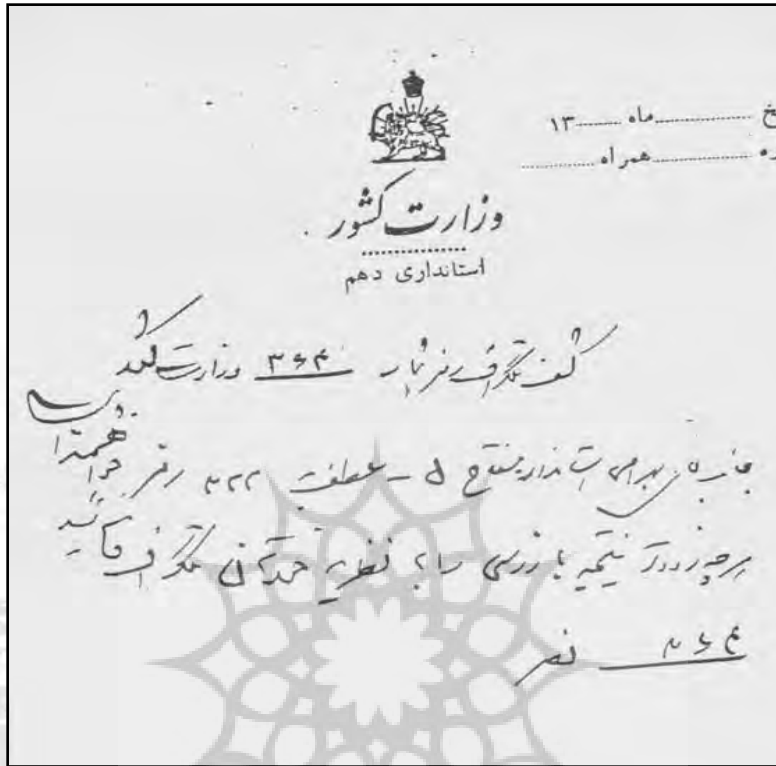
سند ۱۳۱۱			وزارت پست و تلگراف و تلفن			نمره کتاب ۲۰	
اسم گیرنده	تاریخ وصول		توضیحات	تاریخ اصل	عدد کلمات	نمره قبض	از: طهران
	روز	ماه		۱۷	۵۵	۳۳۳۳۵	
	۱۸	۷				نمره تلگراف	به: یزد
						۷۶	

خدمت حضرت حکمران دام اقباله حکومت نائین از بی‌طرفی خارج و به فریب مخالف بدون دستور مرکز خیال دارد فردا انجمن نظارت تشکیل نماید، خواهشمند ملتفت عملیات مشارالیه باشید البته آنچه از طرف دولت دستور رسید باید عمل نماید اگر مقتضی بدانید مشارالیه را متوجه مسئولیت بفرمایید. ابوالحسن پیرنیا

دستورهایی درباره نحوه انتخابات و کسانی که باید انتخاب شوند به وزارت کشور داده، آنجا است. وقتی خبر این کشف را به مصدق دادم، از جایش پرید و مرا بوسید و گفت: آقای رحیمیان پرونده‌های دوره نهم را برابم پیدا کن. بالاخره دو سه ورق درباره انتخابات دوره نهم پیدا کردم و آنها را برای دکتر مصدق بردم. خیلی خوشحال شد. دستور داد از شهرستانی آمدند و از پرونده‌های پیدا شده عکسبرداری کردند. یک نسخه از عکسها را در بایگانی وزارت کشور گذاشتیم و پرونده اصلی را به صندوق امانات بانک ملی سپردیم و کلید آنها را به مصدق دادیم. در همان هنگام که پرونده‌ها را بررسی می‌کردم، یک روز زاهدی به من گفت: شما پرونده‌های وزارت دربار را از میان این پرونده‌ها جدا کنید. بقیه‌اش باشد. گفتم بی‌دستور مصدق کاری نمی‌کنم. زاهدی خاموش شد. وقتی آمدم بیرون کسی به نام مهندس همایونی یا همایون آمد نزد من و گفت من از دربار آمده‌ام شما آنچه را مربوط به دربار است به من بسپارید و بقیه پرونده‌ها را خودتان نگهدارید. گفتم: نمی‌توانم. فردایش آقای شکرایی کفیل وزارت دربار به من تلفن کرد و گفت پنج دقیقه با شما کار دارم. رفتم به دربار، خیلی احترامم کرد و گفت: اعلیحضرت گفته‌اند شما پرونده‌های دربار را که به دردتان نمی‌خورد به ما پس بدهید. گفتم مرا دکتر مصدق مأمور کرده بی‌اجازه ایشان کاری نمی‌کنم و به ایشان خیانت نمی‌ورزم. اصرار کرد. گفتم: مصدق نخست وزیر شاه است، شاه به او تلفن کند و هرچه لازم دارد از خود ایشان بخواهد و از آنجا بیرون آمدم و رفتم به وزارت کشور و کار را تمام کردم و پس از عکسبرداری و سپردن اصل پرونده‌ها به بانک ملی و

عکس آنها به وزارت کشور، کلیدها را بردم دادم به مصدق. از من تشکر کرد و گفت: دیگر کاری با شما ندارم.

صبح روزی که مصدق می‌خواست به شورای امنیت برود مرا خواست و گفت: برو اسناد را بیاور. من رفتم به دنبال اسناد و مصدق رفت به مجلس. وقتی برگشت خیلی ناراحت بود. نفهمیدم چرا و به من گفت: وقتی این اسناد را می‌توانم با خودم ببرم که هیچ کس از بردن آنها باخبر نشود، حتی وزیر



سند شماره ۳

وزارت داخله، ایالت خوزستان، نمره ۱۴۲۹، تاریخ ۱۳۱۱/۸/۲۸ ش.

مقام منبع ایالت جلیله خوزستان دامت شوکته معطوفاً بمرقومه نمره ۸۸۰۸-۱۱/۱۹۸۸ با مراجعه بسابقه امر، خاطر عالی رامستحضر می‌دارد که در آبادان و فلاحیه پس از تشکیل انجمن و تعیین هیأت ۲۷ عامله خود و انتشار اعلانات به فاصله یکروز شروع بتوزیع تعرفه و اخذ رای کرده‌اند و حال آن که در حدود مقررات ماده ۲۱ قانون انتخابات مدت نشر اعلان بمناسبت اهمیت محل از پنج روز الی پانزده روز تعیین شده. در این صورت مخالف است که در انتخابات فلاحیه و آبادان مراعات مواد قانونی نشده و معلوم می‌شود که جریان مرتب و منظمی نداشته و این دو محل مستلزم تجدید انتخابات است.

لهذا مسائلی را که لزوماً بعرض می‌رساند تا مقرر فرمایند بوسائل سریع بمقام وزارت جلیله داخله راپورت گردد بقرار ذیل است:
۱- در صورتی که امر به تجدید انتخابات دو محل مزبور فرمایند آیا بوسیله همان انجمن‌های سابق باید اقدام نمایند یا اساساً باید از نو شروع به تشکیل انجمن‌های دیگر در آنجا بشود.

۲- انتخابات حوزه مرکزی محمره با وجود مشغله آن اوقات بنده از نظر تصادف با ایام احتمالی نزول اجلال مرکب

مبارک بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه کاملاً منطبق با قانون است و هیچگونه نواقصی در آن مشاهده نمی‌شود منتخب آن هم تشخیص شده بنابراین البته معلوم است که انتخابات حوزه مرکزی بقوت و اعتبار خود باقی است ولی نکته را که محتاج به تذکر می‌داند این است که البته تا وصول اوامر راجع به تجدید انتخابات دو محل مزبور مدت قانونی انعقاد، انجمن مرکزی هم منقضی خواهد شد.

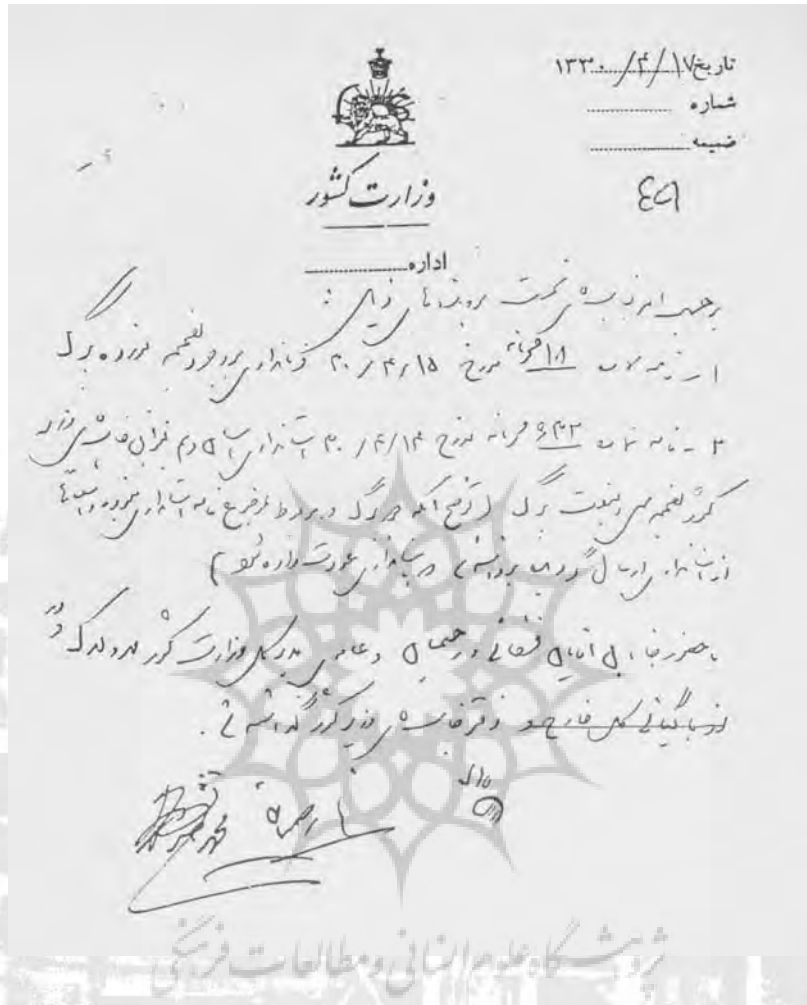
در این صورت چه باید کرد. آیا بوسیله همین انجمن باید اقدام گردد یا لازم می‌آید که انجمن مرکزی هم تجدید شود.
۳- از اعتبار مصارف لازمه که هنوز قیمت مخابرات تلگرافی پرداخت نشده و محاسبه آن روشن نیست در حدود دو هزار ریال باقی مانده.

۴- اوراق باقی مانده بشرح ذیل است:

اعلان ۲۰، مالرن ۲۶، نظامنامه ۲، تعرفه ۱۸۶۳ اگر در دفتر حکومتی فلاحیه تعرفه زیادی که مصرف شده موجود باشد ۹۸۶ ورقه است. مراتب استحضاراً عرض شد تا هر طور بفرمایید اقدام گردد.

حسن

[مهر]: حکومت محمره



سند شماره ۴

وزارت داخله، تاریخ ۱۱/۹/۲، محرمانه فرستاده شد. الیگودرز - حکومت محترم چاپلق و بربود در تعقیب مراسله نمره ۱۶۵۶ راجع به انتخاب نماینده ارامنه چاپلق و بربود آن حکومت محترم را متمرکز می‌دارد مطابق امریه وزارت جلیله داخله کاندید ارامنه نقاط جنوب میرزا یانس است بنابراین باید تشکیل انجمن فرعی چاپلق و بربود طوری داده شود که مطابق امریه صادره باشد.

سند شماره ۵

وزارت کشور، فرمانداری بروجرد، شماره ۱۸ محرمانه، تاریخ ۳۰/۴/۱۵، پیوست نوزده برگ محرمانه - مستقیم - وزارت کشور عطف به تلگراف شماره ۴۷۷ نوزده برگ تلگراف رمز و کشف مربوط به دوره نهم انتخابات است که دخالت دولت را

می‌رساند به محض وصول تلگراف پیدا نموده به وسیله آقای پاکدامن معاون فرمانداری تقدیم گردید. با زحمت زیاد این برگها پیدا شده و چون ظرف ۲۴ ساعت مقرر فرموده بودند ارسال شود عجله در ارسال نوزده برگ گردید درصدد جستجوی بقیه اسناد و مدارک دوره دیگر هستیم در صورتی که پیدا شود فوری تقدیم می‌گردد. چون لازم بود اسناد مربوطه به وسیله شخصی مطمئن تقدیم گردد آقای پاکدامن در نظر گرفته شدند. مستدعی است نسبت به پرداخت هزینه سفر و فوق العاده روزانه ایشان امر به اقدام فرمایند.

کفیل فرمانداری بروجرد امضاء

سند شماره ۶

وزارت کشور، استانداری ششم، شماره ۴۷۴، تاریخ ۳۰/۴/۱۵ [ش ۱۳]، محرمانه.

جناب آقای وزیر کشور

پیرو تلگراف رمز شماره ۴۶۹ - ۳۰/۴/۱۴ اینک اوراقی را که در تلگراف فوق اشاره شده برای استحضار عالی بشرح زیر تقدیم می‌دارد:

۱- نامه بشماره ۱ که تاریخ آن پاره شده و مطابق با دوره نهم تقنینیه است به امضای آقای حسن متین حاکم مسجد سلیمان خطاب به ایالت وقت خوزستان بدست آمد که در جواب شماره ۵۳ نوشته شده (موضوع کاندید آقای میرزا یانس اقدام لازم شده پس از خاتمه انتخابات نتیجه را به عرض می‌رساند) از نامه شماره ۷۷۲۹ به امضای محسن و تلگرافهای شماره ۲۸۴۳ به امضای حسین سمیعی و شماره ۱۳۵۹ به امضای آقای منصور معلوم می‌شود که قبلاً آقای وارطان اندریسان قبلاً نماینده انجمن مرکزی بوده که بعلت خدمت مهمی که در شرکت نفت به حکایت نامه شماره ۷۷۲۹ داشته و لازم بوده، بعوض او یکنفر تعیین شود تعویض شده و بجای او آقای کاراپط جردان به نمایندگی انجمن مرکزی تعیین گردیده و معروض شده و صورتمجلسی که به ضمیمه فرستاده شده و دارای تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۰۹ می‌باشد حاکی است که آقای میرزا یانس همانطور که در نامه شماره ۱ آقای حسن متین به آن اشاره کرده است طبق تمایل اولیای وقت حائز اکثریت شده و از ۸۷ رای ۸۲ رای داشته است، نکته قابل توجه دیگر این است که در این صورت مجلسی که به امضای رئیس انجمن فرعی انتخابات ارامنه و نماینده انجمن نظار مرکزی تهران می‌باشد نوشته شده که در نتیجه کافی نبودن اعتبار نتوانسته‌اند به نقاطی که در حوالی این مرکز هستند رفته ساکنین آنجاها را شرکت در این وظیفه مقدس بدهند. ضمناً متذکر می‌شود که نامه شماره ۵۳ که در نامه آقای حسن متین به آن اشاره شده متأسفانه بدست نیامد.

۲- نامه شماره ۱۴۲۹ - ۱۳۱۱/۸/۲۸ که مطابق با دوره نهم تقنینیه است به امضای آقای حسن متین حاکم محمره (خرمشهر فعلی) ملاحظه می‌شود که می‌نویسد در آبادان و فلاحیه (شادگان فعلی) پس از تشکیل انجمن و تعیین هیأت عامله و انتشار اعلان بفاصله یک روز شروع بتوزیع تعرفه و اخذ رای کرده‌اند و حال آنکه مطابق ماده ۲۱ قانون انتخابات فاصله نشر اعلان و توزیع تعرفه بمناسبت اهمیت محل از پنج روز الی ۱۵ روز تعیین شده اظهار تأسف می‌نماید که در انتخابات فلاحیه و آبادان مراعات مواد قانونی نشده و مسلم دانسته که جریان منظم و مرتب نداشته و اظهار نظر کرده است

که در این دو محل بایستی انتخابات تجدید شود و کسب تکلیف نمود که مراتب ضمن نامه ۳۶۹ والی وقتیه وزارت کشور اطلاع داده شده و در جواب تلگراف رمزی به شماره ۱۷۶۶ به امضای آقای منصور وزیر کشور وقت رسیده مبنی بر اینکه راجع به این ترتیبی را چندان اشکالی بنظر نمی‌رسد که آراء قرائت شد، محتاج به تجدید نبوده و لازم نیست در این باب مراتب در صورتمجلس قید شود (تلگراف ۳۶۹ والی خطاب به وزارت داخله یافت نشد) متعاقب وصول این دستور آقای مصباح فاطمی والی وقت طی شماره ۹۲۱۴ مورخه ۹/۹/۷ نامه به حاکم محمره در جواب نامه ۱۴۲۹ مذکور در فوق می‌نویسد و عین دستور، مرکز را ابلاغ می‌نمایند و به این ترتیب انتخابات انجام می‌شود.

۳- مجموع اوراق ارسالی مشتمل بر ۱۱ برگ است
وزیر اقتصاد ملی و مامور فوق‌العاده دولت در خوزستان.

امیرعلایی
[امضاء]

سند شماره ۷

وزارت کشور، فرمانداری شهرستان بوشهر، شماره ۵۳ / م،
تاریخ ۱۳۳۰/۴/۱۶، پیوست سه پرونده، محرمانه، مستقیم.
وزارت کشور - اداره رمز و محرمانه

محترماً عطف به تلگراف رمز ۴۷۷ - ۳۰/۴/۱۳ اینک سه فقره پرونده حاوی بعضی مدارک و اسناد که حاکی از دخالت مامورین دولت در انتخابات دوره‌های هشت و نه و ده بود، از پرونده‌های اصلی جدا و ضمن توضیحات ذیل لفاً تقدیم می‌گردد.

۱- اسناد منتخبه از پرونده دوره هشتم تقنینیه حاوی ۲۶ برگ و فرماندار وقت هم جناب آقای مظفر اعلم بوده‌اند ولی در موقع انتخابات برای تعیین حدود ایران و شوروی به آذربایجان عزیمت و در غیاب ایشان آقای شهروزی رئیس پست و تلگراف وقت کفالت فرمانداری را عهده‌دار و عمل انتخابات را به پایان رسانیده و چون تمام وسائل مخابرات در اختیار ایشان بوده تمام دستورات و تعلیمات را به وسیله تلفون و یادداشتهای بدون نمره به متصدیان کار ابلاغ می‌نموده‌اند. صحت این ادعا از یادداشت مورخه ۱۳۰۹/۶/۱۵ که از بندر ریگ مخابره گردیده (برگ ۲۳) و یک یادداشت بدون تاریخ که معمولاً بایستی در تاریخ ۳۰/۶/۲۰ از برازجان مخابره شده

در خاتمه چون آقای اسمعیل منعیل بایگان و آقای حسین ژگان معاون فرمانداری در پیدایش و تهیه این اوراق متحمل زحمات زیادی شده‌اند مستدعی است از اقدامات آنها قدردانی فرمایند.

فرماندار شهرستان بوشهر - قوامی امضاء

سند شماره ۸

وزارت کشور، تاریخ ۱۳۳۰/۴/۲۷ ش.

ضمن رسیدگی به اوراق انتخابات دوره نهم تقنینیه سال ۱۳۱۱ شمسی بموجب صورت جداگانه در سه نسخه دویست و دوازده (۲۱۲) برگ از مذاکرات رمز و نامه‌های مختلفه استخراج گردید.

[امضاها]: جواد عامری - غلامحسین رحیمیان - محمدناصر قشقایی

سند شماره ۹

وزارت کشور، تاریخ ۱۳۳۰/۴/۱۷ ش.

برحسب امر جناب آقای نخست [وزیر] پرونده‌های:

۱- نامه شماره ۱۸ محرمانه مورخ ۳۰/۴/۱۵ فرمانداری بروجرد بضمیمه نوزده برگ.

۲- نامه شماره ۶۳۲ محرمانه مورخ ۳۰/۴/۱۴ استانداری استان دهم بعنوان جناب آقای وزیر کشور بضمیمه سی و هفت برگ (توضیح آن که دو برگ که مربوط به موضوع نامه استانداری نبوده و اشتهاً از استانداری ارسال گردیده برداشته شد که به استانداری عودت داده شود)

با حضور جنابان آقایان قشقایی و رحیمیان و عامری - مدیر کل وزارت کشور - مهر و لاک و در [از بایگانی کل خارج] و دفتر آقای وزیر کشور گذاشته شد.

[امضاها]: جواد عامری - غلامحسین رحیمیان - محمدناصر قشقایی.

رحیمیان به نقل از دکتر مصدق درباره کاربرد اسناد مذکور می‌نویسد: «هنگامی که مصدق از سفر بازگشت مرا خواست. در اتاق انتظار نشسته بودم که خود مصدق به آنجا آمد و مرا بغل کرد و بوسید و گفت: از شما بسیار متشکرم، اسنادی که تهیه کرده بودید خیلی به درد ایران خورد و حالا اجازه بدهید

باشد (برگ ۱۲) معلوم می‌گردد همچنین از مفاد نامه مورخه ۱۷ شهریور ۳۰۹ مرحوم حیدرخان حیات داودی (برگ ۲۵) و نامه مورخه ۱۳ ربیع‌الثانی آقای خانعلی خان حیات داودی (برگ ۲۶) معلوم می‌شود که تعلیمات و دستوراتی برای انجام امر انتخابات داشته‌اند. توضیحاً عرض می‌شود حیدرخان حیات داودی همان کسی [۱] است که در کتاب دلیران تنگستان بستگی مشارالیه با انگلیسی‌ها کاملاً محرز و از دست نشانندگان و طرفداران جدی آنها بوده و در آن کتاب از او به بدی یاد شده و خانعلی خان حیات داودی هم هنوز در حیات است و در بندر ریگ سکونت دارد و از بستگان و همدستان آقای فتح‌الله خان حیات داودی مؤسس غائله جنوب در ۱۳۲۵ می‌باشد.

۲- اسناد منتخبه از پرونده دوره نهم که حاوی ۲۳ برگ که دارای مدارک و اسناد کافی و دستورات صریح می‌باشد در تلگراف رمز ۱۲۸۵ - ۳۱۱/۷/۲۴ [۱] وزارتی (برگ ۲۱) انتخاب میرزا علی کاررونی از عباسی رسماً تکلیف شده فرماندار وقت بوشهر آقای طالقانی و فرماندار بندرعباس هم که در آن موقع تابع بوشهر بوده آقای بهادر بوده‌اند و انتخابات دوره نهم در زمان تصدی ایشان انجام شده است.

۳- اسناد منتخبه از پرونده دوره دهم که حاوی ۳۸ برگ و در خلال مطالعه آن مداخلات مامورین دولت در انتخابات کاملاً مشهود و هویدا است فرماندار وقت آقای محمدعلی رکنی و تمام پیش‌نویسهای در پرونده که از لحاظ مبارک می‌گذرد بخط خود ایشان می‌باشد و آقای محمد علی پیرایش هم که کارمند فرمانداری وقت و مأمور بازرسی انتخابات به بخشها بوده و در دو نامه شماره ۴ و ۶ خود (برگ ۳۷ و ۲۵) مداخلات مامورین را صریحاً اذعان نموده و آقای امین هم که در بعضی پیش‌نویسها از ایشان ذکر شده مقصود آقای عبدالشکور امین عضو بازنشسته وزارت کشور است که در آن موقع معاون فرمانداری بوده‌اند و آقای میرزا علی‌اکبر خان اتابکی بخشدار دشتی و دشتستان هم فوت نموده است. با عرض مراتب بالا و با تقدیم مدارک پیوست امید است نظر وزارت در این باب تأمین شود. در پرونده‌های مفصل انتخابات دوره‌های مذکوره در فوق اسناد دیگری که قابل استفاده باشد وجود نداشت و اگر دستورات محرمانه هم از مرکز به آنها ابلاغ گردیده باشد ممکن است نزد خود نگاهداری نموده باشند.

علاوه بر تشکر رسمی یک پولی هم به شما بدهم. من فوق‌العاده ناراحت شدم و به مصدق گفتم: اگر تشکر کردید مانعی ندارد. ولی اگر می‌خواستید در برابر کاری که کرده‌ام پولی به من بدهید چرا از روز اول قیمت مرا معلوم نکردید و گفتید مسئله وطنی است؟ و به عنوان اعتراض آنجا را ترک کردم. ساعت ۳ بعدازظهر مامور موتور سوار دکتر مصدق نزد من آمد و پاکت سربسته‌ای به دستم داد. وقتی سرپاکت را باز کردم نامه رسمی روی کاغذ مارکدار نخست‌وزیری در آن دیدم. شرح نامه این بود: ۲۵

«جناب آقای رحیمیان، نماینده محترم سابق مجلس شورای ملی - از زحماتی که برای جمع‌آوری اسناد انتخاباتی دوره نهم تقنینیه که در شورای امنیت از آنها به نفع مملکت کاملاً استفاده شده و همچنین از نظارت دو ماهه‌ای که در طبع اوراق قرضه ملی نموده و از دریافت حق زحمت هم خودداری و به نفع صندوق کشور واگذار فرموده‌اید تشکر و به این وسیله از همت بلند و سعه صدر جنابعالی قدردانی می‌نمایم. دکتر محمد مصدق.» ۲۶

پی‌نوشت‌ها:

۱. اعضای کمیسیون عبارت بودند از: دکتر مصدق، دکتر علوی، دکتر هدایتی، دکتر شایگان، سید علی بهبهانی، حائری زاده، جمال امامی، جواد گنجه، جواد عامری، اللهیار صالح، فقیه‌زاده، سرتیپ زاده، ناصر ذوالفقاری، خسرو قشقایی، مکی. مکی، حسین. کتاب سیاه. ج اول، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۵۱.

۲. موحد، محمدعلی، خواب آشفته نفت: دکتر مصدق و نهضت ملی ایران. تهران: نشر کارنامه، ۱۳۷۸، صص ۱۰۱-۱۰۲. ۳. مکی، حسین. ج ۲ تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴، صص ۱۳۵-۱۳۶.

۴. از جمله: آیت‌الله خوانساری، آیت‌الله بهاء‌الدین محلاتی، آیت‌الله شاه‌رودی، حجت‌الاسلام حاج سید محمود روحانی قمی حمایت خود را از ملی شدن صنعت نفت اعلام کردند.

گروهی از هواداران نهضت اسلامی ایران و اروپا. روحانیت و اسرار فاش نشده از نهضت ملی شدن صنعت نفت.

قم: انتشارات دارالفکر، ۱۳۵۸، ص ۱۵.

۵. جامی، ن. گذشته چراغ راه آینده است (تهران:

انتشارات ققنوس، ۱۳۶۲ ش) چاپ دوم، ص ۵۶۵.

۶. مهدی‌نیا، جعفر. زندگی سیاسی رزم‌آرا (تهران:

انتشارات پاسارگاد، ۱۳۷۲ ش) چاپ پنجم، ص ۱۵۱.

۷. موحد، محمدعلی. ص ۱۱۶.

۸. مهدی‌نیا، جعفر. ص ۱۵۱.

۹. مکی، حسین. ج ۲، ص ۳۵۷.

۱۰. عاقلی، باقر. روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا

انقلاب اسلامی. تهران: نشر گفتار، ۱۳۶۹، ص ۳۲۰.

۱۱. موحد، محمدعلی. صص ۱۱۶-۱۱۷.

۱۲. عاقلی، باقر. ص ۳۲۲.

۱۳. طرح قانونی دایر به طرز اجرای اصل ملی شدن

صنعت نفت در سراسر کشور به تصویب مجلسین رسید و هیأت

دولت مأمور قانون شد.

۱۴. جامی، ن. ص ۵۸۳.

۱۵. عاقلی، باقر. ص ۳۲۴.

۱۶. جامی، ن، ص ۶۰۴.

۱۷. عاقلی، باقر. ص ۳۲۴.

۱۸. جامی، ن. ص ۶۰۸.

۱۹. اداره کل انتشارات و تبلیغات. اسناد نفت. تهران:

اداره کل انتشارات و تبلیغات، ۱۳۳۰ ش)، صص ۱۲۲ و ۱۲۹.

۲۰. همان، صص ۱۶۳-۱۷۵.

۲۱. فاتح، مصطفی. پنجاه سال نفت ایران. تهران: شرکت

سهامی چهره، ۱۳۳۵ ش، صص ۵۶۸-۵۶۹.

۲۲. سی. ام. وودهاوس. عملیات چکمه. ترجمه فرحناز

شکوری، به کوشش احمد بشیری، تهران، نشر نور، چاپ دوم،

صص چهل و شش تا چهل و نه.

۲۳. سازمان اسناد ملی ایران، شماره ۲۹۳۰۰۵۸۲۱ - محل

در آرشیو ۶۱۴ ف ۵ ب آ.

۲۴. سی. ام. وودهاوس. ص چهل و نه.

۲۵. همان، ص چهل و نه.

۲۶. ترکمان، محمد. نامه‌های دکتر مصدق. تهران: نشر

هزاران، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۰۰.

۲۷. اصل: هیئت.